



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۶/۰۳/۱۴



محمد سرور روحانی

قیام ۲۴ حوت هرات

سلام خود را خدمت همه هم میهنان عزیز تقدیم می کنم.

می خواهم جهت بزرگ داشت قیام تاریخی مردم با شهامت هرات در حوت سال ۱۳۵۷ نکاتی چند بیان کنم. در ۲۴ حوت سال ۱۳۵۷ هـ ش شهر باستانی هرات شاهد قیام ده ها هزار انسان های متدین و شهادت بیش از ۲۵ هزار فدائی در راه حق بود.

۳۴ سال پیش از امروز هرات شاهد انفجار عظیمی شد که قیام مقدس اسلامی مردم افغانستان را در برابری ای از هموطنان فریب خورده جاهل "خلق و پرچم" که تحت اداره و رهنمائی عمال روسیه شوروی فعالیت می کردند اعلان نمود.

طوری که شما نیز اطلاع دارید به تاریخ ۷ ثور همان سال خود فروختگان تحت پلان و رهبری شوروی کودتای تنظیم شده را در ساعت ۲ بعد از ظهر روز پنجشنبه که آغاز رخصتی اخیر هفته بی مامورین دولتی بود با نیرنگ خاصی به راه انداختند که بعد از ۲۴ ساعت زد و خورد بالاخره فرزند صدیق افغان محمد داود خان رئیس جمهور دولت را همراه با اعضای فامیل و عده ای از اعضای کابینه ناجوانمردانه به شهادت رساندند.

چون مردم افغانستان سالهای زیادی را به آرامش ولی در فقر گذرانده بودند هیچگونه حرکت را در مقابل این هجوم انجام داده نتوانستند. لذا فریب خوردگان میدان را خالی یافته و کوشیدند که با تاخت و تازهای وحشیانه تسلط خود را در سطح کشور تثبیت نمایند. فعالیت شان خیلی عجولانه بود که با حمله به مقدسات دینی و نوامیس ملی جامعه و برهم زدن نظم زندگی و آرامش روحی مردم توأم شد.

افغانها ازین شیوه برخورد ناراحت گردیده و شکایات شان آهسته آهسته از هر سو شنیده می شد، اعتراضات گروه های خورد مردم منکوب می گردید و به جزای سخت محکوم می شدند. برخورد حاکمان طرف نفرت و انزجار بیشتر مردم واقع شده و روز بروز حس بدبینی و آتش خشم شان را تیزتر و شعله ورتر می ساخت.

اولین حرکت مردمی با تصمیم قوی از قریه سلیمی در ولسوالی پشتن زرغون هرات به روز ۹ حوت ۵۷ صورت گرفت. درین روز که فرماندهان دولت به منظور بردن اجباری زنان قریه به کورسهای نام نهاد سواد آموزی آمده بودند. در واقع می خواستند با تبلیغات منحرف کننده خود توهین به مقدسات دینی و نوامیس ملی نموده و غرور مردم را در هم شکنند. تصور نمی کردند که با خشم و قیام مردم آن منطقه روبرو می شوند.

آوازه این حرکت در شهر و ولسوالی های هرات منتشر گردید. بناءً در ۱۸ حوت جنبش غوریان و در ۱۹ حوت حرکت مردم زنده جان صورت گرفت و مخالفت مردم با دولت در سطح هرات و باقی ولایات کشور آغاز یافت.

عده ای از علمای هرات یعنی شهید محمد افضل شهیر، مرحوم مولوی عبدالعزیز خطیب مسجد جامع و مولوی بهاءالدین واعظ مسجد جامع، شهید عبدالباقی جان مجد دی، شهید قاری ابوبکر غوریانی، سید عبدالرحیم اثمی، خلیفه نوین و علمای دیگر جلسه نموده و تصمیم بر آن شد که قیامی را در بهار سال ۱۳۵۸ راه اندازی نمایند ولی بد رفتاری های اختناق آمیز دولت این قیام را از زمان پیشبینی شده جلوتر انداخت بلاخره طوری که کودتای کمونست هادر روز پنجشنبه ۷ ثور صورت گرفته بود قیام عمومی مردم هرات علیه آنها درست ۴۸ هفته بعد در روز پنجشنبه ۲۴ حوت همان سال در مسجد جامع شهر هرات اعلان شد.

صبح روز پنجشنبه ۱۴ مارچ ۱۹۷۸ که مطابق با ۲۴ حوت ۱۳۵۷ بود هنوز نور خورشید ندرخشیده بود که سرسپردگان راه حق و آزادی از کوچه های قریه جات بسوی شهر روان شده و با نعره ملکوتی الله اکبر، الله اکبر غوغای عجیبی بلند کرده بودند که سر تاسر شهر را به صدا درآورده و قلب دشمن را به لرزه انداخت. عاشقان توحید از شوق وصل شهادت نعره ها می کشیدند که دشمنان شانرا زبون و مردم متدین را چون زنجیر بهم پیوست نمودند.

بدینوسیله مردم به داخل مسجد جامع رفتند و خود فروختگان نیز بتعقیب شان داخل مسجد شده و غافلگیرانه به کشتار بی رحمانه ایشان شروع کردند. بی خبر از آن بودند که دیگر نمی توانند به این بازی ها خشم مردم را فرو نشانند.

قیام شروع شد و مردم با بیل کلنگ و چوب بر عصری ترین تانک های دشمن حمله ور می شدند. با وجودی که صدها نفر به شهادت می رسیدند. این حرکت لحظه به لحظه موج می گرفت و مراکز دولتی یکی بعد دیگری فتح می شد. و دولت ظالمانه شهر هرات را از قسمت پای حصار تا دروازه عراق و محل کاروان سرای های مسافری و نیز از پل رگینه تا گنبد سبز دوره تیموریان و مزار نورالدین عبدالرحمن جامی تا خانقاه خواجه عبدالله انصاری همه را زیر و رو کردند. فضای هرات را طیاره های روسی گرفته بود و باران بمب بالای مردم و خانه های شان می بارید کودکان مادران، پدران و خورد و کلان یکی بعد دیگری بخاک و خون می غلتیدند.

صدای وحشتناک بمباران و غرش طیارات و تانک ها گریه کودکان و یتیمان و شیون و ناله مادران داغ دیده هم آغوش به آخرین نفس های شهدای غرقه به خون که در هر قدمی فرزندی، مادری، پدري، و همسری، بخون می تپید. تا چند روز بعد مردم از یک طرف به طرف دیگر در جست و جوی شهدا بودند و درین مسیر سرهای بریده و اعضای قطعه قطعه شده عزیزان شانرا پیدا می کردند. این جریان هرات را به یک حمام خون تبدیل کرده بود قیام ادامه یافت و شب به همین بد بختی گذشت.

۲۵ حوت جمعه خونینی آغاز شد، تانک های تی ۶۲ هلیکوپترهای ای ۲۴ جت های جنگی میگ ۲۱ و میگ ۲۳، اس ۲۲ با آنکه هزاران تن مواد منفجره را بالای مردم سرازیر می کردند، کاری از پیش برده نمی توانست. فرزندان با غیرت چون گل محمد تیزانی، حاجی علی خان سنوگرد، معلم عبدالعلی، معلم محمد آصف، خانونال نثار احمد و باقی هزارها دلیر مرد دیگر افتخار حماسه آتروز را بدست آوردند. در این وقت نظیف الله الله نهضت والی هرات و سید مکرم قوماندان فرقه نمبر ۱۷ هرات تحت فرماندهی جنرال روسی به نام "ویسلویچ" تصمیم می گیرند تا با شیوه ای قتل عام، مردم را از پیشرفت قیام جلو گیری کنند.

روز شنبه ۲۶ حوت فرا می رسد و قیام صاحب منصبان فرقه نمبر ۱۷ هرات آغاز می شود. که نقش فعال را جگتورن محمد اسماعیل، جگرن عبدالعزیز، جگتورن نوراحمد، دگرمن محمد انور نصرتی، جگتورن علاء الدین

با باقی صاحب منصبان و عساکر متدین ایفا نمودند. بدین وسیله بعد از شکست دادن قوای دولتی فرقه نمبر ۱۷ به باقی قیام کنندگان پیوست و اسلحه فرقه را بین مردم تقسیم نمودند. سپس باتفاق قوماندان های مجاهد ملکی بسوی شهر رو آورده و نقاط مهم دولتی را تصرف نمودند. روز ۲۷ حوت قیام به اوج خود رسید روز ۲۸ و ۲۹ با نیروهای نظامی فرقه که از مردم حمایه می کرد و قوای تازه وارد دولتی جنگهای سنگینی رخ داد. دگرمن نور محمد یکی از رهبران قیام به شهادت رسید. با فشار حملات هوایی که از داخل روسیه و میدان هوایی شیندند صورت می گرفت بالاخر مقاومت قیام خاتمه یافت و قیام کنندگان با تلفات بیش از ۲۵ هزار کشته و ده ها هزار زخمی از قیام دست کشیدند. این یک قیام خود جوش مردمی بود. احزاب و گروه های جهادی در آن سهمی نداشتند. این آغاز یک جهاد منظم و حساب شده برای ملت شریف ما گردیده و پیام آور قیامهای مانند ۳ حوت سال ۱۳۵۸ کابل حرکت دره صوف، شورش چنداول، جنگ اسمار و بالا حصار کابل، جنبشهای پنجشیر و لوگر، پروان، پکتیا، شیرغان، قندهار، بلخ، ننگرهار، بادغیس، غزنی، بامیان، تاشقرغان، بغلان، کاپیسا، لغمان، قندوز، فراه، زابل، نیمروز و سراسر کشور شد. که بعدها با استفاده از جنگهای چریکی و پارتیزانی حساب دشمن را تصفیه نموده و آنها را از سرزمین خود بیرون راندند.

شورویها برای هدف اصلی تجاوز خود در افغانستان دلیل موجه ارائه کرده نمی توانند زیرا سالیان زیادی را با همسایگی مسالمت آمیز و روابط حسنه با افغانستان بسر می بردند و با هم هیچگونه دشمنی و تجاوز گری نداشتند. دلایل غیر موجه می تواند قرار ذیل ارائه گردد.

در همه اشکال توسعه طلبی، گفته می شود که:

نیش عقرب نه از پی کین است

مقتضای طبیعتش این است

چون شوروی ها به ابر قدرت شرق مسمی گردیده بودند، تصور توسعه طلبی شان روز بروز اوج می گرفت. بعد از آنکه بر اروپای شرقی تسلط یافتند، ده سال قبل از هجوم به خاک افغانستان یک حمله ناگهانی به چکسلواکیا نمودند و توانستند آن مملکت را در مدت ۳ روز تابع خود سازند. اکثر ممالک رو بر شد تصور می کردند، وقتی که روس ها در یک کشور داخل شدند دیگر بیرون کشیدن شان ممکن نمی باشد.

ولی چون تاریخ افغانستان شاهد قهرمانیهای افغانها در مقابل لشکر کشیهای قدرت های بزرگ دنیا است مثال این قهرمانیها بار دیگر نه تنها در شکست شوروی بلکه در فرو پاشی و تجزیه آن و رهائی ملیون ها انسان از قید و بند شوروی ها گردیده که در نتیجه جغرافیای جهان تغییر نمود.

در اخیر ما پروانه وار سوختیم روشنائی و گرمی آتش ما کمکی به مستمندان شد.

نتایج قیام

۱. ایجاد اتفاق و همفکری بین جامعه افغانی و آغاز قیام مقاوم بر علیه کمونیزم بین المللی.
۲. پی گیری چنین قیامی در ۳ حوت سال ۱۳۵۸ در کابل و اکثر ولایات دیگر کشور.
۳. تنظیم و تشکیل گروههای جهادی و اعلان جهاد عمومی در سطح کل کشور بر علیه جاسوسان کی جی بی.
۴. برسمیت شناخته شدن مجاهدین در سطح بین المللی .
۵. گشوده شدن دروازه های ممالک اسلامی و جاری شدن کمکها به مجاهدین.

۶. تجزیه شوروی و از هم پاشی ابر قدرت شرق.

۷. آزاد شدن ممالک مستعمره شوروی.

برای نسل امروز کشته شدن ۲۵ هزار نفر در یک شهر در یک جنگ رویا رؤی بدون اسلحه و قوه منظم نظامی در مقابل یک ابر قدرت جهانی تا دندان مسلح با سلاح عصری، قابل تصور نیست و در حقیقت این یک نسل کُشی حساب می شود. به همین سبب شهرهرات را شهر خون و قیام نامیده اند.

ادامه این قیام بعد از چند سال، جهاد فی سبیل الله نامیده شد. و پس از شکست شوروی جای خود را به جنگهای تنظیمی میان گروه های مجاهدین و گروه های ملیشه ها داد و پس از آن تبدیل به مقا و مت علیه طالبان گردید و صد ها هزار نفر دیگر کشته معیوب و مهاجر در داخل و خارج کشور دور از جا یگاه اصلی خود گردیدند.

علل قیام ۲۴ حوت

۱. بر خوردهای نادرست حاکمان با مردم.
۲. از بین بردن قوانین مذهبی و سنتی مردم و جایگزینی قوانین و مقررات سوسیالیستی.
۳. غصب زمینهای زراعتی مردم و توزیع آن به صورت رایگان برای زارعین.
۴. فرستادن اجباری زنان به کورس های نام نهاد سواد آموزی، تشویق شان به مقررات سوسیالیستی و کمونیستی و علل نامانوس دیگر.

انتقام گیری دولت

بعد از این قیام، حکومت تلاش می کرد که عاملین قیام را شناسائی نموده و ایشان را نابود نماید بانیرنگ های خاص تحت نام مشوره یا نشست های اضطراری متنفذین را در باغ شاهی هرات دعوت می نمودند و از آنجا ایشان را به گور های دسته جمعی می فرستادند چنانچه همین نیرنگ بالای خاندان مجددی عملی گردید که در یک شب بوقت نماز شام در هنگام بازگشت از مسجد هر کدام شان در پیش روی خانه خود هیئتی را دیدند که با احترام خاص ایشان را از طرف والی هرات در باغ شاهی جهت اشتراک به مشوره اضطراری و صرف غذا بطور عاجل دعوت می کنند و ایشان را وادار می سازند تا خواهش والی صاحب را قبول کنند. ناگزیر ایشان می روند و از آنجا رهسپار گور های دسته جمعی می گردند و تا امروز از ایشان خبری در دست نیامده که در انجمله حضرت صاحب عبدالباقی جان مجددی، صمد جان مجددی و انور جان مجددی شامل اند. بعد از شکست و خروج ارتش سرخ شوروی، گور های دسته جمعی در بین تپه های تخت سفر پیدا شد که گواهی آن بود که عده ای دست و پای بسته بطور زنده درین گودال ها انداخته شدند.

این بود شمه ئی از حوادث تاریخی ۲۴ حوت ۱۳۵۷ در هرات که هرگز فراموش تاریخ نخواهد شد. ومن الله التوفیق.

محمد سرور روحانی

آلمان، ۲۴ حوت ۱۳۹۴